

ORIGINAL ARTICLE

Preservation of Contracts Through the Application of Damages Beyond Actual Damages in Iran and the US Law

Seyed Hasan Hosseini¹, Seyed Hasan Hosseini Moghaddam² , Mehdi Fallah Kharyeki³

1. Ph.D. Student in Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran

2. Assistant Professor, Department of Law and Political Science, Faculty of Law and Political Science, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

3. Associate Professor, Department of Private Law, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

Correspondence:

Seyed Hasan Hosseini
Moghaddam

Email:

s.h.hoseinimoghadam@umz.ac.ir

Received: 09/Feb/2024

Accepted: 27/Aug/2024

How to cite:

Hosseini, S.H.; Hosseini Moghaddam, S.H.; Fallah Kharyeki, M. (2024). Preservation of Contracts Through the Application of Damages Beyond Actual Damages in Iran and the US Law, *Civil Law Knowledge*, 13 (1), 77-92.

(DOI: [10.30473/cik.2024.70543.3238](https://doi.org/10.30473/cik.2024.70543.3238))

ABSTRACT

The preservation of rights and obligations and the guarantee of their implementation is one of the objectives of contract law, which has been addressed in the form of various legal principles. However, there are cases in which one of the parties to a contract intentionally and opportunistically breaches the contract. In these cases, if the breaching party can gain benefits for itself in addition to paying damages, this issue will lead to the spread of contract breaches and challenge the principle of the necessity of contracts. Therefore, the main challenge we will address is to examine solutions that have sufficient deterrence against these cases of contract breach. The issue of creating deterrence is the main challenge facing the rules of contractual liability in Iranian law, as such approaches are rarely seen in the rules of Iranian contractual liability. In the end, we will conclude that the usual rules of damages do not have sufficient deterrence to manage efficient breach of contract and opportunistic breach, and it is necessary to compensate for damages more than the actual amount of damages in these cases. This approach is seen in US law in the form of punitive damages and damages for the recovery of benefits arising from opportunism, and in Iranian law, if it is passed as law and its conditions are met, it will have a sufficient deterrent effect.

KEY WORDS

Damages, Deterrence, Damages, Punitive Damages, Disgorgement.



«مقاله پژوهشی»

حفظ قرارداد از طریق اعمال جبران خسارت فراتر از خسارت واقعی در حقوق ایران و آمریکا

سیدحسن حسینی^۱، سیدحسن حسینی مقدم^۲، مهدی فلاح خاریکی^۳

چکیده

حفظ حقوق و تعهدات و تضمین اجرای آنها یکی از اهداف حقوق قراردادهای است که در قالب اصول حقوقی مختلفی مورد توجه قرار گرفته است، اما مواردی وجود دارد که یکی از طرفین قرارداد عامدانه و فرصت طلبانه اقدام به نقض قرارداد می کند. در این موارد اگر طرف ناقض قرارداد بتواند علاوه بر پرداخت خسارت، منافعی برای خود کسب نماید، این مسئله موجب رواج نقض قرارداد شده و اصل لزوم قراردادهای را با چالش مواجه می سازد. بنابراین، چالش اصلی که به آن خواهیم پرداخت، بررسی راهکارهایی است که از بازدارندگی کافی در مقابل این موارد نقض قرارداد برخوردار باشند. مسئله ایجاد بازدارندگی چالش اصلی پیش روی قواعد مسئولیت قراردادی در حقوق ایران است؛ چراکه چنین رویکردهایی به ندرت در قواعد مسئولیت قراردادی ایران دیده می شود. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که مبانی اعمال جبران خسارت فراتر از خسارت واقعی چیست و آیا مصادیق آن در حقوق ایران قابل اعمال است یا خیر. در انتها به این نتیجه خواهیم رسید که قواعد معمول جبران خسارات از بازدارندگی کافی برای مدیریت نقض کارآمد قرارداد و نقض فرصت طلبانه آن برخوردار نیستند و لازم است تا در این موارد جبران خسارت بیشتر از مقدار خسارات واقعی صورت گیرد. این رویکرد در حقوق ایالات متحده در قالب جبران خسارت تنبیهی و جبران خسارت استرداد منافع ناشی از طمع ورزی دیده می شود و در حقوق ایران نیز در صورتی که به عنوان قانون تصویب شده و شرایط آن رعایت شود، دارای اثر بازدارندگی کافی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی

جبران خسارت، خسارات واقعی، خسارات تنبیهی، خسارات طمع ورزی، نقض قرارداد، حفظ قرارداد.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آیت‌اله املی، امل، ایران.
۲. استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
۳. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آیت‌اله املی، امل، ایران.

نویسنده مسئول:

سیدحسن حسینی مقدم

رایانامه:

s.h.hoseinimoghadam@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶

استناد به این مقاله:

حسینی، سیدحسن؛ حسینی مقدم، سیدحسن؛ فلاح خاریکی، مهدی (۱۴۰۳). حفظ قرارداد از طریق اعمال جبران خسارت فراتر از خسارت واقعی در حقوق ایران و آمریکا، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۳ (۱)، ۷۷-۹۲.

(DOI: 10.30473/cik.2024.70543.3238)



مقدمه

اقدام به انعقاد قرارداد ننمایند. عموماً قانون‌گذار و دادگاه‌ها نمی‌توانند در مقابل کاهش اعتماد عمومی به اجرای قراردادهای سکوت نمایند و لازم است تا در این خصوص راهکاری اندیشیده شود. هر چند در قوانین ایران مواردی مانند وجه التزام و جبران خسارت ناشی از نقض پیش‌بینی شد که ممکن است خسارت را به مبالغی فراتر از خسارات واقعی افزایش می‌دهند، اما باید پذیرفت که شیوع موارد نقض قرارداد در پی بحران‌ها اقتصادی ناشی از تحریم‌ها که موجب جهش ناگهانی قیمت‌ها می‌شود و همچنین تورم‌های دور از انتظار و سنگین، این راهکارها را تا حد زیادی بی‌اثر می‌نماید، در عین حال که برخی حقوقدانان پیشنهاد داده‌اند تا وجه التزام‌های بیشتر از میزان خسارت واقعی بر اساس اصول عدالت و انصاف تعدیل شوند. (موسوی، ۱۴۰۱: ۵۴۴)

درست است که مسئله‌ای مانند تورم امری اقتصادی است و یا تحریم امری سیاسی و حل‌وفصل آنها نیاز به راهکارهای اقتصادی و سیاسی دارد، اما به هر روی در نظام حقوقی ایران نمی‌توان نسبت به این مسائل بی‌اعتنا ماند. به همین دلیل لازم است تا با بررسی تطبیقی در حقوق کشورهای پیش‌رو در این زمینه، راهکارهای مناسبی را برای مدیریت وضعیت بیابیم.

فرضیه اولیه این پژوهش بر این اساس استوار است که نقض قرارداد (چه نقض کارآمد باشد یا ناکارآمد) از لحاظ اخلاقی و قانونی قابل حمایت نیست و حمایت از اصل لزوم قراردادهای نیازمند تدوین راهکارهایی برای پیشگیری از نقض قرارداد است. این راهکارها باید جنبه بازدارندگی قواعد مسئولیت قراردادی را تقویت نمایند. جبران خسارت فراتر از خسارات واقعی باید به شکلی محتاطانه و تنها در موارد نقض عمدی قرارداد و یا وجود سوء نیت و همراه با شرایطی اعمال شود که متناسب با مورد نقض باشد. بنابراین، در ادامه ضمن بررسی راهکارهای حفظ قرارداد، انواع نقض قرارداد را مورد بررسی قرار خواهیم داد و سپس، مبانی اعمال جبران خسارت فراتر از خسارات واقعی را بررسی کرده و در نهایت ضمن بررسی امکان اعمال برخی از مصادیق جبران خسارت فراتر از قرارداد، راهکار مناسب برای حقوق ایران مطابق با ظرفیت‌های قانونی موجود بیان خواهد شد.

جبران خسارت فراتر از خسارات واقعی

خسارت واقعی در بادی امر به معنای خساراتی است که در عالم

طبق روایت مرسوم از حقوق تعهدات قراردادی، هدف طرفین از ایجاد تعهدات، الزام و التزام به آن است (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۲۱۳)، اما بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، نقض قرارداد انتخاب عقلایی یکی از طرفین آن است. این نقض در صورتی که وضعیت اقتصادی یک طرف قرارداد را بهبود بخشد و خسارت طرف مقابل را نیز جبران نماید، تحت عنوان نقض کارآمد قرارداد شناخته می‌شود. از آنجا که نقض کارآمد قرارداد موجب افزایش سود یک طرف قرارداد و جبران خسارت مورد انتظار طرف مقابل می‌شود، ارزش اقتصادی بیشتری نیز برای جامعه ایجاد می‌کند و از این حیث نیز دارای کارایی اقتصادی است، اما جدای از این بحث کاملاً اقتصادی، باید پذیرفت که رواج نقض کارآمد قرارداد اصل لزوم قراردادهای را سست می‌کند و دیگر طرفین قرارداد نمی‌توانند با اتکا بر لزوم اجرای تعهدات طرف مقابل، اقدام به انعقاد قراردادهای آتی نمایند. از این حیث تئوری نقض کارآمد قرارداد با چالش‌های اخلاقی روبه‌رو است. (انصاری، ۱۳۹۰: ۴۶) علاوه بر این، خود مسئله کارآمد بودن آن نیز محل اشکال است؛ چرا که مشخصاً حتی در صورتی که طبق قواعد مرسوم قراردادی، جبران خسارت نیز صورت بگیرد، بدیهی است منافعی که طرف ناقض از قرارداد دوم به‌دست آورده در واقع، ارزش افزوده‌ای است که اگر تعهد خود را اجرا می‌کرد به طرف قرارداد اول (خواهان دعوی جبران) خسارت می‌رسید و در این صورت با انتقال منافع از طرف غیر ناقض قرارداد به طرف ناقض قرارداد روبه‌رو هستیم.^۱

علاوه بر مسئله نقض کارآمد قرارداد، مواردی نیز وجود دارد که یک طرف قرارداد با انگیزه‌های دیگر و در مواردی که نقض قرارداد کارآمد نیست نیز اقدام به نقض قرارداد می‌نماید؛ مواردی همچون نقض عمدی قرارداد به منظور لطمه به روابط تجاری طرف مقابل، نقض قرارداد به منظور تحمیل قیمت بالاتر و... مواردی وجود دارد که در آن افراد با نادیده گرفتن عمدی اصل لزوم قراردادهای اقدام به نقض تعهدات خود می‌نمایند و این مسئله آثار سوئی را در پی خواهد داشت. از آن جمله می‌توان به کاهش انعقاد قراردادهای و همچنین کاهش اتکای طرفین به اجرای قرارداد اشاره کرد.^۲ کاهش اعتماد به اجرای قراردادهای موجب می‌شود افراد از انعقاد قراردادهای بعدی مبتنی بر قرارداد اول خودداری نمایند و یا اصولاً به دلیل افزایش ریسک نقض تعهدات

۱. در این خصوص در بخش بررسی تئوری نقض کارآمد قرارداد توضیح کافی ارائه خواهد شد.

۲. اتکا به قرارداد وضعیتی است که یک فرد پس از انعقاد قرارداد اول (قرارداد خرید) و قبل از اجرای آن، اقدام به انعقاد قرارداد فروش

مبتنی بر قرارداد اول (خرید) می‌نماید. مشخص است که در صورت بالا بودن احتمال نقض قرارداد اشخاص معقول چنین اقدامی را انجام نمی‌دهد؛ چرا که امکان اجرای تعهدات خود در قرارداد دوم را نخواهد داشت.

انعقاد قرارداد و هزینه‌های انجام اقدامات مقدماتی برای اجرای قرارداد.

خسارات اتکایی اتفاقی^۴ این خسارات شامل هزینه‌هایی می‌شود که به‌طور مستقیم با اجرای قرارداد مرتبط نیستند، اما در نتیجه اتکای طرف اتکاکننده به قرارداد بر وی تحمیل شده است، مانند هزینه‌های خرید کالایی که برای اجرای قرارداد نیاز است. (فولر و پردو، ۱۹۳۶: ۷۸) در تحلیل اقتصادی، خسارات اتکایی به عنوان هزینه‌هایی تعریف می‌شوند که طرف اتکاکننده برای ایجاد موقعیتی متحمل می‌شود و در صورت اجرای قرارداد، از آن بهره‌مند خواهد شد.

تفاوت‌های قابل‌توجهی بین طرز تلقی حقوقدانان و اقتصاددانان از خسارات اتکایی وجود دارد. اقتصاددانان بر این باورند که جبران خسارات اتکایی، ریسک طرف مقابل در اتکای به قرارداد را کاهش می‌دهد. با این حال، باید توجه داشت که هر قراردادی با ریسک عدم اجرا روبه‌رو است و اشخاصی که با اتکا به قرارداد اقداماتی را صورت می‌دهند، باید این ریسک را در نظر بگیرند. از این منظر، اگر معیارهای جبران خسارت محدوده وسیعی از خسارات اتکایی را قابل جبران بدانند، این امر می‌تواند اتکای بیش از حد و بدون پشتوانه را ترویج کند. (راجرسون، ۱۹۸۴: ۴۹؛ شاول، ۱۹۸۰: ۴۷۲) در مقابل حقوقدانان بر این باورند که تنها اتکایی بر قرارداد مورد حمایت قرار خواهد گرفت که واجد وصف معقولیت و قابلیت پیش‌بینی باشد. این امر به‌منظور جلوگیری از اتکای بیش از حد طرفین قرارداد و ایجاد انگیزه برای اجرای قرارداد است. (کوثر و ایزنبرگ، ۱۹۸۵: ۱۴۶۷) رویکرد منطقی نیز همین است؛ زیرا همان‌طور که جبران خسارت ناکافی آثار سوئی دارد، جبران خسارت بیش از حد نیز آثار سوء خاص خود را دارد که در ادامه مقاله مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

واقع اتفاق افتاده است، اما بررسی دقیق ادبیات حقوقی نشان می‌دهد در مورد اینکه چه خساراتی در واقعیت اتفاق افتاده است اختلاف‌نظر وجود دارد.^۱ این اختلاف بر بحث جبران خسارت فراتر از خسارات واقعی مؤثر است. در واقع، نقطه اتمام خسارات واقعی نقطه آغازین خسارات فراتر از قرارداد است، بنابراین در ادامه ابتدا مفهوم خسارات واقعی را مورد بررسی قرار خواهیم داد و سپس به بررسی مفهوم خسارات فراتر از قرارداد خواهیم پرداخت.

به‌طور معمول گفته می‌شود که هدف از جبران خسارت در مسئولیت قراردادی، بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیتی است که اگر قرارداد اجرا می‌شد، در آن وضعیت قرار می‌گرفت. (صفایی، ۱۳۹۴: ۲۲۹) این رویکرد را به وضوح در رویه قضایی حقوق کامن‌لا می‌توان مشاهده نمود. با توجه به اینکه هدف از جبران خسارت قراردادی عموماً بازگرداندن زیان‌دیده به وضعیتی است که اگر قرارداد اجرا شده بود، ذینفع آن وضعیت را داشت، رویکرد مناسب رعایت اصل جبران کامل خسارات قرارداد است، اما این نکته که خسارات کامل شامل چه خساراتی است نیاز به بررسی بیشتر دارد. در حقوق ایالات متحده خسارات قابل جبران را می‌توان چنین دسته‌بندی نمود:

۱. خسارات منافع اتکایی^۲

در حقوق قراردادهای خسارات اتکایی به خساراتی گفته می‌شود که یکی از طرفین قرارداد، در ازای اعتماد به اجرای تعهد طرف مقابل، متحمل می‌شود. این خسارات شامل هزینه‌هایی می‌شود که طرف اتکاکننده، پس از انعقاد قرارداد و قبل از نقض آن، متحمل می‌شود. (فولر و پردو، ۱۹۳۶: ۴۶-۵۲) حقوقدانان دو دسته از خسارات اتکایی را شناسایی کرده‌اند:

خسارات اتکایی ضروری^۳؛ این خسارات شامل هزینه‌هایی می‌شود که برای اجرای قرارداد ضروری هستند، مانند هزینه‌های

این کار خودداری کرد و خواهان مجبور شد از او شکایت کند. دادگاه عالی انگلستان به نفع خواهان رأی داد. دادگاه حکم داد که خوانده به دلیل نقض قرارداد، باید به پرداخت خسارت به خواهان محکوم شود. قاضی پارک بی، او بیان کرد که هدف از خسارات جبرانی، این است که خواهان را به وضعیتی که اگر قرارداد نقض نمی‌شد، در آن قرار داشت، بازگرداند. قاضی پارک بی همچنین بیان کرد که میزان خسارات جبرانی نباید بیش از مقدار خسارت‌هایی باشد که خواهان در اثر نقض قرارداد متحمل شده است.

3. reliance interest
4. Essential Reliance
5. Incidental Reliance

۱. تعیین این مسئله که آیا منافع فرصت از دست رفته قابل جبران هستند و در صورت پذیرش تا چه میزان از منافع دست رفته قابل جبران هستند، به‌طور مستقیم دایره خسارات قابل جبران را افزایش می‌دهد. (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۴-۲۰)

۲. یکی از آرای نخستین در این زمینه رأی *Robinson v. Harman* (1848) 1 Exch 850 (Jan. 18, 1848) در این پرونده: خواهان با خوانده قرارداد اجاره‌ای را برای یک ملک در کرویدون منعقد کرد. قرارداد اجاره مقرر می‌داشت که خوانده مالکیت کامل ملک را به خواهان منتقل کند. با این حال، خوانده در واقع تنها مالک بخشی از ملک بود. خواهان پس از اطلاع از این امر، از خوانده خواست که قرارداد اجاره را فسخ کند. خوانده از

از تحویل پارچه امتناع نماید، باید اجرت المسمی را به خیاط رد نماید. در این فرض، متعهدله (خیاط) می‌تواند خسارت قابل انتظار را مطالبه کند. (طباطبایی، ۱۴۰۹: ۴۱۲) در حقوق ایران منافع قابل انتظار و اتکایی با این عنوان مورد بحث قرار نگرفته‌اند و امکان جبران یا عدم جبران آنها به بحث عدم‌النفع و قابلیت جبران آن بستگی دارد. در این وضعیت اگر متعهدله بر مبنای قرارداد اولی قراردادهای بعدی را منعقد کرده باشد و در اثر نقض قرارداد اول این منافع از دست برود، موضوع در قالب عدم‌النفع مسلم قابل بررسی است. در مقابل اگر متعهد له تنها مدعی شود که فرصت انعقاد قراردادهای بعدی را از دست داده است موضوع در دامنه عدم‌النفع احتمالی قرار می‌گیرد.

عدم‌النفع محقق، به نفعی گفته می‌شود که در صورت عدم وقوع فعل یا ترک فعل زیان‌بار، به‌طور قطع حاصل می‌شود. عدم‌النفع احتمالی، به نفعی گفته می‌شود که در صورت عدم وقوع فعل یا ترک فعل زیان‌بار، به‌احتمال زیاد حاصل می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۳۷۴) حال با دو فرض روبه‌رو هستیم، نخست اقداماتی که یکی از طرفین قرارداد به‌منظور اجرای تعهدات قراردادی خود انجام داده است و به‌دلیل نقض تعهد از سوی طرف مقابل، هزینه این اقدامات بر وی تحمیل شده است. برای مثال اگر یک طرف قرارداد که در ایران ساکن است، مکلف به تحویل کالایی در بندر مقصد (هامبورگ) بوده، بدیهی است که برای رساندن کالا در زمان موردنظر لازم است تا از مدت‌ها قبل اقدام به تهیه کالا، بسته‌بندی و ارسال آن نماید و اگر در این میان طرف مقابل قرارداد را نقض نماید، مشخص است که خسارات متعددی به‌طرف اول قرارداد وارد شده که جملگی در نتیجه اتکا به تعهد طرف مقابل بوده است. این نوع خسارات در هر نظام حقوقی قابل جبران است؛ چراکه ارتباط مستقیمی با نقض تعهد از سوی طرف مقابل دارد، اما در فرض دوم؛ یعنی جایی که یک طرف قرارداد پس از خرید کالایی (میل‌گرد) با تاریخ تحویل یک ماه بعد اقدام به انعقاد قرارداد پیمانکاری برای بازسازی خانه‌ای کلنگی نموده و در اثر نقض تعهد طرف اول قرارداد وی فسخ شده و منافی که می‌توانسته از آن قرارداد به دست بیاورد از دست رفته، باید بر اساس همان تقسیم مرسوم عدم‌النفع مسلم و احتمالی اقدام کرد. امکان مطالبه منافع احتمالی نیز در فقه و حقوق ایران محل اختلاف است. (روشن و جعفری، تیغی، ۱۳۹۷: ۸۰)

۲. خسارت استرداد

خسارت استرداد یکی از انواع خسارات قراردادی است که در صورت نقض قرارداد، به متعهدله تعلق می‌گیرد. هدف از این خسارت، جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه شخص ناقض قرارداد است. در این موارد، مبنای ارزیابی خسارت، زیان وارده به متعهدله نیست، بلکه سودی است که متعهد از نقض قرارداد به‌دست آورده است. در ابتدا این‌طور تصور می‌شد که ثمن پرداخت شده به عنوان خسارت استرداد، زمانی قابل استرداد است که نقض کلی تعهد صورت گرفته باشد، اما امروزه، اغلب حقوقدانان اعتقاد دارند که ثمن پرداخت شده باید بر اساس نقض تعهد قابل دریافت باشد؛ چه نقض تعهد کلی باشد و چه جزئی. (داگان، ۲۰۰۰: ۱۱۹)

۳. خسارت منافع قابل انتظار^۱

خسارت منافع قابل انتظار، یکی از انواع خسارات قراردادی است که در صورت نقض قرارداد، به متعهدله تعلق می‌گیرد. این خسارت، به منافی که متعهدله در صورت اجرای صحیح قرارداد، به‌دست می‌آورد، اختصاص دارد. هدف از این خسارت، قرار دادن متعهدله در وضعیتی است که اگر قرارداد اجرا می‌شد، در آن موقعیت قرار می‌گرفت. (حسینی مدرس و گلشنی، ۱۳۹۲: ۳۱) خسارات قابل انتظار، شامل موارد زیر می‌شود:

اصل زیان وارده، این خسارت شامل هزینه‌هایی است که متعهدله در نتیجه نقض قرارداد متحمل می‌شود و همچنین خسارات جنبی^۲ نیز قابل تصور است. این خسارت، شامل هزینه‌هایی است که متعهدله برای جلوگیری از زیان بیشتر یا برای انعقاد قرارداد جایگزین متحمل می‌شود. در عین حال خسارت می‌تواند خسارات غیرمستقیم یا باواسطه^۳ باشد. این خسارت، شامل عدم‌النفع و مواردی مانند صدمات اضافه، مثل صدمات بدنی یا خسارت به اموال به‌دلیل معیوب بودن کالای تحویلی می‌شود. (فارسورث، ۲۰۲۱: ۱۰)

مشخص است که در مورد خسارات ناشی از منافع اعاده‌ای تردید در قابلیت جبران آنها نیست، اما در مورد منافع اتکایی و منافع قابل انتظار همان‌طور که اشاره شد، محدودیت‌هایی وجود دارد. در حقوق ایران، منافع قابل انتظار با این عنوان شناخته نمی‌شود، اما با بررسی برخی از سوابق فقهی، می‌توان به این مفهوم رسید. به عنوان مثال، اگر شخصی متعهد شود در وقت معین پیراهنی معین را در مقابل اجرت بدوزد، ولی طرف مقابل

3. Consequential Loss

1. expectation interest

2. Incidental Loss

در خصوص تمامی موارد فوق نظریات موافق و مخالفی وجود دارد که در چارچوب موضوع مقاله حاضر نیست، ولی مهم این است که در هر نظام حقوقی مجموعه قوانین و آرای دادگاه‌ها مجموعه خساراتی را به دلیل اینکه ناشی از نقض قرارداد هستند، قابل جبران می‌دانند که از آن در این مقاله تحت عنوان خسارات واقعی یاد می‌گردد؛ چراکه جملگی این خسارات از منظر آن نظام حقوقی نتیجه نقض قرارداد هستند و در زمره خسارات واقعی قرار می‌گیرند. اگر در یک نظام حقوقی جبران خسارت به فراتر از این خسارات رود، به این صورت که علاوه بر خسارات واقعی، جرمه‌ای برای نقض قرارداد در نظر گرفته شود و یا منافع حاصل از قرارداد بعدی (قراردادی که در مورد همان موضوع قرارداد اول و با شخص ثالث منعقد شده است) استرداد شود، با خسارات فراتر از خسارات واقعی مواجه هستیم. بر این اساس در تعریف جبران خسارت فراتر از قرارداد باید گفت: مجموعه خساراتی است که بیشتر از میزان خسارت واقعی قابل جبران در اثر نقض قرارداد باشد.

شیوه جبران خسارت فراتر از خسارت واقعی دارای سابقه تاریخی طولانی نیز هست. برای نمونه، بر اساس فرمان ژوستینین، جبران خسارت به میزان دو برابر ارزش موضوع عقد بر عهدشکن تحمیل می‌شد و البته شارحان این قانون آن را محدود به موارد نقض عمدی قرارداد دانستند. (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۶۰) امروزه این نوع خسارت‌ها در حقوق کامن‌لا دارای مصادیقی است که در مباحث آتی به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

انواع نقض قرارداد

نقض قرارداد به طرق مختلفی قابل دسته‌بندی است، آنچه از منظر موضوع مقاله حاضر مورد توجه و دارای فایده عملی است، تقسیم نقض قرارداد به نقض عمدی و نقض غیرعمدی است. در مواردی که یکی از طرفین قرارداد با آگاهی از اینکه اقدام یا عدم اقدام وی منجر به نقض تعهداتش می‌شود، عمل می‌کند، با نقض عمدی قرارداد روبه‌رو هستیم. برای مثال، طرفی که پس از انجام تعهد توسط طرف دیگر، با سوءنیت پرداخت را به تعویق می‌اندازد، عمداً تعهدش را نقض می‌کند. همچنین، طرفی که عمداً تصمیم می‌گیرد به دلیل گران شدن هزینه اجرای تعهد از میزان مورد انتظار وی (اگرچه نه چندان گرانقیمت که دفاع عدم امکان اجرا

را مطرح کند) یا به دلیل یافتن فرصت بهتر، تعهداتش را اجرا نکند نیز نقض عمدی نموده است. در مقابل، در مواردی که اقدامی به اشتباه صورت گرفته است، با نقض غیرعمدی قرارداد روبه‌رو هستیم. برای مثال، نصب غیرعمدی لوله با برند متفاوت، ولی با کیفیت مشابه در زمان بازسازی خانه نقض غیرعمدی است.^۲ همچنین، نقض قرارداد با حسن نیت و اعتقاد به اینکه معاذیر قانونی یا قراردادی وجود دارد، نقض غیرعمدی قرارداد است؛ چراکه فرد در آن زمان گمان می‌کرده که طبق مقررات قانونی (همچون فورس ماژور، عدم امکان اجرا و...) و یا مقررات قراردادی (هر موردی که در قرارداد، یکی از طرفین را از اجرای تعهداتش مبرا می‌کند) از اجرای تعهد معاف شده است. (فارنسورث، ۲۰۰۴: ۹۲۱) از این حیث از جهت آثار نیز ممکن است میان این دو نوع نقض قرارداد تفکیک قائل شد و تمرکز رویکرد پیشگیرانه را بر نقض عمدی استوار دانست.

مبانی عمومی اعمال جبران خسارت فراتر از قرارداد

جبران خسارت بیشتر از میزان واقعی بر دلایل اقتصادی و حقوقی چندی قابل توجیه است، نخست وجود تئوری نقض کارآمد قرارداد و جریان و تأثیر آن در نقض قراردادهای دوم، تأثیر آن بر بازدارندگی به‌عنوان هدف ثانویه مسئولیت مدنی که در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱. نقض کارآمد قرارداد

به موجب دکترین نقض کارآمد قرارداد، طرفین قرارداد باید آزاد باشند تا در صورتی که خسارات طرف مقابل را جبران نمایند، تعهد خود را نقض کنند، اگر که این نقض از منظر اقتصادی از اجرای تعهدات کارآمدتر باشد. (محمدی و کدیور، ۱۳۹۵: ۲۷۶) این نظریه بر اساس این فرض است که هدف از قراردادهای حداکثر کردن رفاه اقتصادی طرفین قرارداد است. حال اگر منافع ناشی از نقض قرارداد برای طرفین آن و جامعه بیشتر از منافع ناشی از اجرای قرارداد باشد، نقض قرارداد منطقی است. (محمدی و کدیور، ۱۳۹۵: ۲۷۶) برای مثال، فرض کنید شرکت الف قراردادی را با شرکت ب منعقد می‌نماید که ابزاری را که شرکت ب با قیمت تمام شده ۸۰ میلیون تومان تولید نموده، به قیمت ۱۰۰ میلیون تومان خریداری نماید و شرط وجه التزامی در قرارداد به مبلغ ۱۰ میلیون تومان درج می‌شود. پس از انعقاد قرارداد،

2. Jacob & Youngs, Inc. v. Kent, 129 N.E. 889, 890 (N.Y. 1921)

1. Constitution de Justinian

فاصله‌ای نزدیک از زمان انعقاد قرارداد پیشنهادهایی با قیمت بالاتر دریافت می‌کند و دوم، لازم است تا با اتخاذ راهکارهای حقوقی، هزینه نقض قرارداد را به‌نحوی بالا برد که نقض قرارداد از منظر اقتصادی منطقی و کارآمد نباشد و به این صورت قراردادها را حفظ نمود.

علاوه بر مسائل اخلاقی در خصوص لزوم اجرای تعهدات، اصل مسئله کارآمدی قرارداد نیز با انتقاد مواجه است. برخی حقوقدان‌ها بیان داشته‌اند که نقض کارآمد قرارداد ارزش افزوده‌ای ایجاد نمی‌کند، بلکه صرفاً ثروت را از یک طرف به طرف دیگر منتقل می‌کند. (کوهن، ۱۹۹۲: ۹۷۳؛ پرلشتاین، ۱۹۹۲: ۸۷۷) در واقع، منافعی که می‌توانست نصیب خریدار در قرارداد اول شود، با نقض قرارداد توسط فروشنده و انعقاد قراردادهای بعدی، نصیب وی شده‌است. (موریس، ۱۹۸۲: ۵۲۴) علاوه بر این، حتی اگر خریدار با اتکای به قرارداد اول، قراردادی را با شخص ثالثی منعقد کرده باشد، ملزم به پرداخت خسارت به طرف دیگر این قرارداد شده و بنابراین، وضعیت وی حتی بدتر از قبل می‌شود. علاوه بر این، رواج نقض کارآمد قرارداد هزینه‌های مذاکره و درج شروط احتمالی برای پیشگیری از نقض و نظارت بر طرف مقابل را افزایش می‌دهد (کوهن، ۱۹۹۲: ۹۷۳) و لذا دکتترین نقض کارآمد قرارداد از منظر اجتماعی نیز کارآمد نبوده و باید با آن مقابله نمود.

۲. بازدارندگی

با وجود اینکه تاکنون در حقوق ایران به لزوم بازدارندگی در حوزه حقوق قراردادهای توجه چندانی نشده است، اما تأثیرات مهمی که وجود بازدارندگی در تحکیم اصل لزوم قراردادهای و پیشگیری از وقوع نقض قرارداد و هزینه‌های ناشی از آن برای طرفین قرارداد و دستگاه قضا دارد، لزوم استفاده از آن را مبرهن می‌سازد. از بازدارندگی در حقوق کیفری و حقوق خصوصی تعاریف مختلفی صورت گرفته است، از منظر کیفری، بازدارندگی به دو نوع تقسیم می‌شود:

بازدارندگی عمومی: بازدارندگی عمومی زمانی اتفاق می‌افتد که افراد به دلیل ترس از مجازات، از ارتکاب یک عمل غیرقانونی خودداری می‌کنند.

بازدارندگی خاص: بازدارندگی خاص زمانی اتفاق می‌افتد که یک فرد خاص به دلیل تجربه شخصی خود از مجازات، از ارتکاب یک عمل غیرقانونی خودداری می‌کند. (روآن، ۲۰۱۲: ۱۷۲)

بازدارندگی عمومی نقش مهمی در پیشگیری از جرم ایفا می‌کند. افراد به‌طور منطقی عمل می‌کنند و از ارتکاب اعمالی که

شرکت ب پیشنهادی از شرکت ج دریافت می‌کند که خواهان خرید همان ابزار به قیمت ۱۲۰ میلیون تومان است. در این صورت اگر شرکت ب قرارداد اول را اجرا نماید، در مجموع ۲۰ میلیون تومان منافع مستقیم ناشی از قرارداد برای شرکت ب خواهد بود در صورت نقض قرارداد، میزان منافع شرکت به مبلغ ۳۰ میلیون تومان بالغ می‌شود. در واقع، شرکت ب هم مبلغ ۱۰۰ میلیون پرداختی شرکت الف را باز پس داده و هم خسارت ۱۰ میلیونی را پرداخته است. در این وضعیت مشخص است با آنکه وضعیت شرکت الف تغییر نکرده، اما وضعیت شرکت ب بهتر شده و منافع کلی ناشی از قرارداد؛ یعنی سود اجتماعی آن نیز افزایش یافته است. البته از یاد نبریم که این تحلیل کاملاً اقتصادی است و ملاحظات اخلاقی در آن لحاظ نشده و باید بدان توجه داشت که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

اما این نظریه با انتقادهای شدیدی همراه شده است. چارلز فرید در کتاب *قرارداد به‌عنوان تعهد* با نظریه نقض کارآمد قرارداد مخالف است. او استدلال می‌کند که قراردادهای بر اساس تعهدات اخلاقی بین طرفین استوار هستند. وقتی کسی قراردادی را امضا می‌کند، در واقع به‌طرف دیگر وعده می‌دهد که آن تعهد را انجام دهد. این وعده اخلاقاً معتبر است و باید رعایت شود. (فراید، ۲۰۱۵: ۱۴۲) فرید استدلال می‌کند که نظریه نقض کارآمد قرارداد این تعهد اخلاقی را زیر سؤال می‌برد. این نظریه می‌گوید که در برخی موارد، نقض قرارداد می‌تواند کارآمدتر از اجرای آن باشد. با این حال، فرید معتقد است که کارایی اقتصادی نباید به قیمت نقض تعهدات اخلاقی باشد. همچنین استدلال نمود، نظریه نقض کارآمد قرارداد می‌تواند به کاهش اعتماد بین مردم منجر شود؛ زیرا اگر مردم مشاهده کنند که قراردادهای به‌راحتی قابل نقض هستند، کمتر احتمال دارد که به یکدیگر اعتماد کنند. (فراید، ۲۰۱۵: ۱۴۲) این می‌تواند منجر به کاهش تجارت و همکاری شود. علاوه بر این، با کاهش میزان اعتماد افراد به اجرای قرارداد، تعداد قراردادهایی که بر مبنای قرارداد اولی بسته می‌شوند نیز کاهش می‌یابند. این قراردادهای در یک اقتصاد سالم قسمت بزرگی از تبادلهای اقتصادی را در بر می‌گیرد. در یک مثال ساده یک تاجر پس از سفارش ساخت محصول به کشور چین اقدام به پیش‌فروش آن می‌کند و در فاصله تولید و ارسال آن به ایران نیز معاملات دیگری صورت می‌پذیرد تا در نهایت کالا به‌دست خریدار نهایی برسد. بدیهی است که عدم اطمینان ایجاد شده در نتیجه رواج دکتترین نقض کارآمد قرارداد انعقاد چنین قراردادهایی را با چالش مواجه می‌کند. بنابراین، باید پذیرفت که نخست: نقض کارآمد قرارداد به‌خصوص در اقتصاد تورمی چون اقتصاد ایران به‌شدت رایج است و هر فروشنده‌ای به

ترکیب یافته است. کلمه اصل در لغت به معنای بن و ریشه هر شیء است که در اصطلاح در دو معنی به کار می‌رود: یکی قاعده یعنی مفهومی که شامل مصادیق متعدد باشد و دیگری به معنای دلیل و مدرک چنانکه در مدارک فقهی بسیار دیده می‌شود که گفته شده است «والاصل فی المسئله الكتاب اولسنه». (موسوی بهبهانی، بی‌تا: ۴۰) «لزوم» در لغت به معنای ثبوت است؛ یعنی استواری و در اصطلاح حقوقی و فقهی به معنای عدم جواز از میان بردن عقد و لازم‌الاتباع بودن است و مراد از مرکب هر دو کلمه «اصاله اللزوم» آن است که هر عقدی که میان دو طرف منعقد شود آثار قانونی و شرعی آن عقد بر آن مترتب می‌شود و اصل آن است که وفای به آن برای طرفین لازم است و احتمال عدم صحت آن قابل اعتنا نیست. (همان: ۴۰-۴۱)

قانون مدنی ایران در ماده ۱۰ خود اشعار می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کرده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است». به علاوه ماده ۲۱۹ همان قانون در این باره اعلام می‌کند: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع است؛ مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ گردد». مفاد این ماده نشان می‌دهد که قانون نقش نظارتی خود را در عقود حفظ می‌کند و در این صورت نیز راهکارهایی را برای حفظ قرارداد پیش‌بینی می‌کند.

۲. استناد به عموم اوفو بالعقود

بر طبق اصول کلی فقهی و حقوقی افراد آزاد هستند که قرارداد منعقد کنند و یا ایجاد تعهد نمایند، برای خود طرف معامله پیدا کنند و شروط قراردادهای خود را مشخص نمایند. این مسئله تحت عنوان اصل آزادی قراردادی و حاکمیت اراده مورد بررسی قرار می‌گیرد، اما پس از ایجاد تعهد، طرفین مشمول عموم آیات و روایات مربوط به اجرای تعهدات می‌شوند و نمی‌توانند از اجرای تعهدی که به میل خود ایجاد کرده‌اند شانه خالی کنند. این اصل به تبعیت از سابقه فقهی خود در قانون مدنی ایران و در ماده ۱۰ این قانون مورد اشاره قرار گرفته که بر طبق آن: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که خلاف صریح قانون نباشد نافذ است». بنابراین، اگر مانع قانونی در مقابل اجرای تعهد نباشد فرد مکلف به اجرای آن است. از نظر بسیاری از فقها و مفسران قرآن آیه اول سوره مائده که به قاعده مزبور اشاره کرده هر نوع عقدی را که بر خلاف شرع یا اخلاق نباشد، در بر می‌گیرد. یکی از فقها در این خصوص فرموده

احتمال می‌دهند منجر به مجازات شوند، خودداری می‌کنند. با این حال، بازدارندگی عمومی همیشه مؤثر نیست؛ چرا که برخی از افراد به هر دلیلی از مجازات نمی‌ترسند، یا ممکن است معتقد باشند که می‌توانند به طرق مختلف از مجازات فرار نمایند. در مواردی که بازدارندگی عمومی مؤثر نیست، بازدارندگی خاص این نقیصه را رفع خواهد نمود. بازدارندگی در حقوق خصوصی عبارت است از «جلوگیری از انجام یک عمل، به‌ویژه یک عمل غیرقانونی، توسط ایجاد ترس از عواقب منفی». (استیل، ۲۰۲۳: ۲) در تعریفی دیگر، بازدارندگی عبارت است از «استفاده از ترس از عواقب منفی برای جلوگیری از انجام یک عمل» (بورک، ۲۰۰۹: ۱۲) که تا حد زیادی مشابه تعریف قبلی است و برخی نیز بازدارندگی در حقوق خصوصی را به حقوق کیفری گره زده‌اند و بازدارندگی را «ترغیب افراد به پیروی از قوانین و مقررات از طریق ترس از مجازات» می‌دانند. (وین‌تر، ۲۰۱۲: ۳۴)

هنگام بررسی یک دعوی حقوقی ناشی از نقض قرارداد، دادگاه‌ها در درجه اول به جبران زیان خواهان متضرر می‌پردازند که این مسئله ممکن است این تصور غلط را القا نماید که جبران خسارت تنها چیزی است که دادگاه‌ها به آن می‌نگرند. با این حال، دادگاه‌ها همچنین به دنبال تصدیق حق مدعی، جلوگیری از انجام مجدد رفتار به‌دست آن شخص یا اشخاص دیگر (بازدارندگی کلی و بازدارندگی خاص) و تنبیه یا برخورد با خواننده به دلیل عدم رعایت حق خواهان هستند. (ادلمن، ۲۰۲۲)

در خصوص مبانی مذکور باید توجه داشت که در حقوق ایران نیز از یک سو به دلیل تورم بالا و افزایش قیمت ناگهانی و مستمر اجناس و ...، نقض کارآمد قرارداد به شدت رواج دارد و نیاز است تا در این خصوص اقدامی مناسب صورت گیرد. از سوی دیگر، ایجاد بازدارندگی در حقوق ایران نیز هدف ثانویه مسئولیت مدنی است که هرچند توجه کافی به آن نشده، اما جایگاه خود را از دست نداده است. بنابراین، مبانی ذکر شده به خوبی لزوم اعمال خسارت فراتر از خسارات واقعی در حقوق ایران را توجیه می‌کند.

مبانی در حقوق ایران

مبانی چندی در حقوق ایران به لزوم حفظ قرارداد اشاره دارند که در ادامه به بررسی مهمترین آنها خواهیم پرداخت.

۱. تحکیم اصل لزوم قراردادها

در تعریف قاعده اصاله‌اللزوم یا اصل صحیح و لازم بودن عقود، باید گفت این قاعده یا اصل از دو کلمه: «اصالت» و «لزوم»

این طریق عقد باقی مانده است. امکان دریافت ارزش در باب خیار عیب که در این مورد وقتی که موازنه ارزش در معامله‌ای به هم بخورد راه برای بحث ارزش باز می‌شود. در این وضعیت برای جبران موازنه مخدوش با تکیه بر مدارک اصل بقا عقود مطالبه ارزش توجیه می‌شود (همان: ۵۰) و مصادیق دیگر^۱ البته قاعده اصاله البقا در تمامی موارد مانع انحلال قرارداد نمی‌شود، لذا به طور کلی جهت اجرای قاعده اصاله البقا، لازم است که عقدی با همه عناصرش واقع شود، خللی در عقد ایجاد شود، با وجود خلل در عقد، امکان ابقا و اصلاح وجود داشته باشد و مصلحت اجتماعی در نظام معاملات و عقود اقتضای ابقای عقد را داشته باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۲۶۳)

بنابراین، می‌توان گفت که کاربرد اصاله البقا به عنوان راهکاری به منظور حفظ قرارداد و ترمیم مشکلاتی است که ممکن است منجر به انحلال و یا عدم اجرای آن شود. در واقع، بررسی مقررات قانونی و مصادیق اعمال اصاله البقا نشان می‌دهد، در مواردی که باقی ماندن قرارداد به شکل اصلاح شده، کارآمدتر از انحلال آن است، قانونگذار امکان انحلال یا ابقای قرارداد را به طرف زیان دیده و یا در معرض زیان داده است تا بنا بر وضعیت خود اقدام به انتخاب مناسب‌ترین وضعیت میان انحلال قرارداد یا ابقای آن نماید، به طور مثال عقد را فسخ نماید و یا با دریافت ارزش به ابقای آن رضایت دهد. در موردی دیگر در خصوص تأثیر اصاله البقا بر وضعیتی که در آن تعادل اقتصادی قرارداد به هم خورده است، باید گفت که اصولاً توازن ارزش عوضین در قراردادهای درازمدت به دلیل فاصله زمانی که بین انعقاد و اجرای تعهد دارد، در بسیاری از موارد به دلیل وقایع غیر قابل پیش‌بینی به هم خورده و همین مسئله طرفین را به سمت انحلال قرارداد پیش می‌برد. در این موارد نمی‌توان گفت که طرفین صرفاً به تعادل عوضین در زمان انعقاد آن توجه داشته و نسبت به وقایع بعد از آن بی‌توجه هستند. در واقع در این موارد، همان طور که مقنن به دلیل مصالح اجتماعی اقدام به ابقای عقود کرده که در آن اراده دچار اختلال شده است، در این موارد نیز تعدیل اقتصادی قرارداد، راهکاری است جهت ابقای قرارداد و جلوگیری از انحلال آن.

مصادیق جبران خسارت فراتر از قرارداد

حال که از مبحث ماهیت و مبانی جبران خسارت فراتر از قرارداد رهایی یافتیم، باید مصادیق این نوع جبران خسارت‌ها را مورد

آیه مزبور شامل تمامی عقود می‌شود، مگر در مواردی که موضوع آن معاونت بر امر قبیح باشد. (طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۳ / ۲۳۳) برخی دیگر از فقها نیز کلمه عقد در آیه مزبور را معادل عهد می‌دانند. (طباطبایی، ۱۴۱۱: ج ۵ و ۱۵۸/۶) مشابه همین رویکرد را در ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه نیز می‌توانیم مشاهده کنیم. در ماده مزبور بیان شده قراردادهایی که مطابق قانون منعقد شده باشند برای طرفین به منزله قانون هستند. (صفایی، ۱۳۸۴: ج ۲ / ۴۷) بر این اساس قراردادهای خصوصی که مبتنی بر اراده آزاد اشخاص هستند، مشابه قانون دارای قدرت الزام هستند.

۳. اصاله البقا

در هر قرارداد لزوماً توجه به اراده طرفین شرطی اساسی در تفسیر و تکمیل آن است، اما با توجه به ابعاد و آثار اجتماعی قرارداد، گاهی منافع اجتماعی بر منافع افراد ارجحیت داشته و در این موارد به دلیل مصالح اجتماعی حکم به ابقای عقد می‌شود. نمونه این گونه قراردادهای طولانی مدتی است که بر اثر نوسانات اقتصادی و سیاسی دستخوش تغییرات عیدیه‌ای می‌شود. در چنین مواردی توجه به مصالح جامعه بر مبنای غلبه نسبت به اراده طرفین برتری دارد. تفاوت مهمی که بین اصل بقا قرارداد و اصل لزوم آن وجود دارد، همین مطلب است که اصل بقا عقود نگاه اجتماعی دارد. بدین معنا که با توجه به مصالح اجتماع راجع به عقود دچار اختلال تصمیم‌گیری می‌کند، اما اصل لزوم عقود به جنبه‌های شخصی توجه می‌کند و در چارچوب تعیین شده عمل می‌کند. از طرف دیگر، اصاله اللزوم همزمان با انعقاد عقد پدید می‌آید. به عبارت دیگر، لزوم عقد در قالب تراضی طرفین ایجاد می‌شود، اما اگر در مرحله بقا در عقد مشکلی بروز کرد می‌توان از اصل بقا عقود استفاده کرد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ج ۱ / ۳۱۳) علاوه بر این، اصل بقا علاوه بر عقود لازم عقود جایز را نیز در بر می‌گیرد، اما همان‌گونه که حقوقدانان بر آن وفاق دارند، اصل لزوم صرفاً در عقود لازم جاری می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۹)

مصادیق اعمال این قاعده در فقه و حقوق ایران متعدد است؛ از جمله ترتب امکان فسخ قرارداد بر عدم امکان الزام متعهد به اجرای آنکه در این مورد مقنن نظر به بقا و اجرای قرارداد مقدم بر انحلال آن به واسطه فسخ داشته است، امکان تنفیذ عقد فضولی که در این عقد با آنکه اراده مالک اساساً وجود ندارد، اما شارع و به التبع وی مقنن این عقد را قابل تنفیذ دانسته‌اند و از

۱. از جمله باقی ماندن عقد در خیار رویت و ...

بررسی قرار دهیم تا پس از آشنایی با این مصادیق امکان کاربرد آنها در حقوق ایران و آثار آنها را بررسی نماییم.

۱. استرداد منافع ناشی از طمع‌ورزی^۱

یکی از شیوه‌های جبران خسارت که به فراتر از مبلغ خسارات واقعی نظر دارد، استرداد منافع ناشی از طمع‌ورزی است که در حقوق ایران کمتر شناخته شده است. در این شیوه جبران خسارت، اگر یک طرف قرارداد اقدام به نقض قرارداد کرده و سپس موضوع قرارداد را با مبلغی بالاتر به شخص دیگری بفروشد، شخص ناقض قرارداد مکلف است تا علاوه بر جبران خسارت معمول، منفعی را که از انعقاد قرارداد دوم به دست آورده را نیز به عنوان خسارت به طرف قرارداد اول بپردازد. این شیوه جبران خسارت به شکل گسترده‌ای در موارد مسئولیت مدنی یا سایر موارد نقض قانون همچون رویه‌های ضد رقابتی و یا حقوق مصرف در حقوق ایالات متحده اعمال می‌شود. (آیین برگ، ۲۰۰۷: ۵۶۴)

این شیوه جبران خسارت در حقوق ایران بدون سابقه است و بررسی امکان یا عدم امکان مطالبه آن در قالب بحث امکان مطالبه عدم‌النفع احتمالی است. با وجود اختلاف نظرهایی که در مورد عدم‌النفع وجود دارد و مواد قانونی مختلف و بعضاً متعارض^۲، اما باید پذیرفت که با استناد به ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که در آن به منافع ممکن‌الحصول اشاره شده است، چنین منفعی قابل مطالبه هستند. در خصوص منافع ناشی از طمع‌ورزی، با توجه به منفعی که فروشنده با نقض قرارداد به دست آورده که در واقع، باید متعلق به خریدار می‌بود، دیگر نمی‌توان این نوع منافع را عدم‌النفع احتمالی دانست و با توجه به انعقاد قرارداد دوم و قطعیتی که در امکان تحصیل آن برای خریدار نیز به وجود می‌آید (در صورت عدم نقض قرارداد)، لذا باید آن را در زمره عدم‌النفع ممکن‌الحصول و قابل مطالبه دانست. باید توجه داشت که منافع ناشی از قرارداد دوم به این دلیل متعلق به خریدار اول است که اگر قرارداد اجرا می‌شد، تنها

خریدار بود که می‌توانست با انعقاد قرارداد بعدی به سود مزبور دست یابد. بنابراین، می‌توان گفت که فروشنده با نقض قرارداد، سود مزبور را از بین برده است و با توجه به اینکه منافع مزبور در حال حاضر نیز ایجاد شده منتها در دست فروشنده ناقض قرارداد است، نمی‌توان ایجاد آن را احتمالی دانست. (سخنور، ۱۴۰۰: ۳۴) مشخص است که اخذ منافع قرارداد دوم و اعطای آن به زیان‌دیده قرارداد اول، امری فراتر از سیستم‌های جبران خسارت مبتنی بر خسارات واقعی است. البته مشخص است که در صورت اجرای قرارداد اول، خریدار چنین فرصتی را به دست می‌آورده، اما نمی‌توان این احتمال را قطعی دانست. آنچه مشخص است، اتخاذ چنین رویکردی جای کسب هیچ نوع منفعتی را برای یکی از طرفین قرارداد با نقض آن باقی نمی‌گذارد و هیچ کدام از طرفین قرارداد به منظور کسب منافع بیشتر اقدام به نقض قرارداد نخواهد کرد. این رویکرد با آنکه جبران خسارتی فراتر از خسارت قابل انتظار به شخص زیان‌دیده اعطا می‌کند، اما هدف بازدارندگی قواعد مسئولیت مدنی را به نحو مناسبی تأمین می‌کند.

۲. جبران خسارت تنبیهی^۳

در حقوق کیفری اساساً خسارت تنبیهی نوعی خسارت است که برای تنبیه مرتکب جرم یا جنایت و جلوگیری از تکرار آن در آینده اعطا می‌شود. این خسارت‌ها علاوه بر خسارات جبرانی است که برای جبران خسارت‌های واقعی وارد شده به شاکی اعطا می‌شوند. (گارنر، ۲۰۱۹: ۱۲۷۷) این نوع جبران خسارت در رویه قضایی ایالات متحده نیز به کرات مورد اشاره قرار گرفته است. در پرونده «استیت فارم» دیوان عالی ایالت «یوتا» اعلام کرد که خسارت تنبیهی، خسارتی است که برای تنبیه مرتکب و جلوگیری از تکرار و نقض قرارداد اعطا می‌شود. البته دیوان در رأی مزبور شرایطی را نیز برای تناسب میزان خسارت تنبیهی و جبرانی در نظر گرفت که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.^۵ علاوه بر رویه قضایی، قانون اساسی ایالات متحده در ماده سوم، بخش

۵. در این پرونده خواهان (کمبل) در تصادفی موجب مرگ یک نفر و معلولیت دائم شخص دیگری شد، شرکت بیمه «استیت فارم» اعلام کرد که کمبل مسئول تصادف بوده و از پرداخت خسارت به قربانیان خودداری کرد. قربانیان شکایتی علیه State Farm مطرح کردند و یک هیئت منصفه به نفع آنها رأی داد. هیئت منصفه ۲۶ میلیون دلار خسارت جبرانی و ۱۴۵ میلیون دلار خسارت تنبیهی به قربانیان اعطا کرد. خوانده (استیت فارم) به حکم دادگاه اعتراض کرد و پرونده به دادگاه عالی ایالت رسید. دادگاه عالی با ۶ رأی موافق و ۳ رأی مخالف، حکم دادگاه پایین را لغو کرد و اعلام کرد که جوایز خسارت تنبیهی باید متناسب با جنایت ارتکابی باشد.

1. disgorgement

۲. در ماده ۳۷ قانون تسریع محاکمات مصوب ۱۳۰۹ و ماده ۴۹ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی سابق مصوب ۱۳۱۸ و ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق و تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی و همچنین اخیراً در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

3. Punitive Damages

4. State Farm Mutual Automobile Insurance Co. v Campbell

درست است که وجه التزام به صورت توأمان دارای جنبه ترمیمی و تنبیهی است، اما باید پذیرفت که امکان تعیین میزان جبران خسارت بیشتر از میزان خسارت واقعی آن را در زمینه نهادهای تنبیهی قرار می‌دهد.

مورد دومی که می‌توان مصداقی از شیوه جبران خسارت تنبیهی را مشاهده نمود، جریمه اجبار، مندرج در ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی است. بر طبق این ماده: «هرگاه محکوم‌به انجام عمل معینی باشد و محکوم‌علیه از انجام آن امتناع ورزد و انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن باشد، محکوم‌له می‌تواند تحت نظر داور (مأمور اجرا) آن عمل را وسیله دیگری انجام دهد و هزینه آن را مطالبه کند یا بدون انجام عمل هزینه لازم را به وسیله قسمت اجرا از محکوم‌علیه مطالبه نماید. در هر یک از موارد مذکور دادگاه با تحقیقات لازم و در صورت ضرورت با جلب نظر کارشناس میزان هزینه را معین می‌نماید. وصول هزینه مذکور و حق الزحمه کارشناس از محکوم‌علیه به ترتیبی است که برای وصول محکوم‌به نقدی مقرر است». همان‌طور که مشاهده می‌شود، جریمه اجبار نیز نهادی قانونی است که هدف آن بازدارندگی و تنبیه شخصی است که از اجرای تعهد خود سر باز می‌زند. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، تنبیهی بودن شیوه جبران خسارت وجه تمایز آن از شیوه‌های ترمیمی جبران خسارت است که در هر دو مورد می‌توان آن را مشاهده کرد. (قاسمی حامد، خسروی فارسانی، آقابابایی، ۱۳۹۲: ۶۸-۷۲)

با وجود اینکه برخی حقوق‌دانان نهادهای مشابهی به خسارت تنبیهی را ذکر کرده‌اند، مواردی همچون خسارت الزام، خسارت تأخیر تأدیه و...، اما خود ایشان نیز معترف هستند که ماهیت و

دوم، بند یک، به دادگاه‌های فدرال اجازه می‌دهد تا «در تمام موارد مدنی، خسارات تنبیهی را به میزانی که دادگاه مناسب بداند، اعطا کنند.» اکثر ایالت‌های آمریکا خسارت تنبیهی را در قوانین خود مجاز می‌دانند. با این حال، برخی از ایالت‌ها محدودیت‌هایی را برای میزان خسارت تنبیهی قابل اعطا تعیین کرده‌اند. برای مثال، قانون مدنی کالیفرنیا، در بخش ۳۲۹۴، به دادگاه‌های کالیفرنیا اجازه می‌دهد تا در موارد خاص، خسارت تنبیهی را تا حداکثر سه برابر خسارت‌های جبرانی اعطا کنند.^۱ بخش ۹۰۱ قانون مدنی نیویورک به دادگاه‌های نیویورک اجازه می‌دهد تا در مواردی که نقض عمدی صورت گرفته است، خسارت تنبیهی را اعطا کنند.^۲ بخش ۴۱،۰۰۶ قانون مدنی تگزاس، به دادگاه‌های تگزاس اجازه می‌دهد تا در مواردی که نقض عمدی حقوق صورت گرفته است، خسارت تنبیهی را اعطا کنند.^۳

در قوانین ایران تنها در یک مورد صریحاً به عبارت «خسارت تنبیهی» اشاره شده است. ماده ۴ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مقرر داشته: «با توجه به اصل عمل متقابل، میزان، در تقویم خسارات مادی، معنوی و تنبیهی زیان‌دیدگان، مشابه احکام صادره از دادگاه خارجی است»، اما در این قانون هیچ‌گونه تعریفی از خسارت تنبیهی صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد دو مورد در حقوق ایران ویژگی‌هایی مشابه خسارت تنبیهی دارند، نخستین مورد وجه التزام است. با وجود اینکه وجه التزام امری قراردادی و منوط به توافق طرفین است، اما باید پذیرفت که هدف آن به‌طور مشخص افزایش هزینه‌های ناشی از نقض قرارداد و تنبیه شخص ناقض قرارداد است و از این حیث می‌توان آن را جبران خسارتی تنبیهی با ماهیت قراردادی دانست.

the defendant's conduct. The extent of the harm caused by the defendant's conduct. The financial resources of the defendant. The need to deter similar conduct by the defendant and others.

۲. بخش ۹۰۱ قانون مدنی نیویورک

In an action for a tort, the plaintiff may recover exemplary damages in addition to compensatory damages if the defendant acted willfully and wantonly. For the purposes of this section, the term "willfully and wantonly" means that the defendant acted with a conscious and intentional disregard of the rights or safety of others.

۳. بخش ۴۱،۰۰۶ قانون مدنی تگزاس

In an action to recover damages for a civil wrong, the court may award exemplary damages if the defendant's conduct was: Intentionally tortious. Malicious. Oppressive. Fraudulent.

دیوان عالی استدلال کرد که جبران خسارت تنبیهی که بیش از ده برابر خسارت جبرانی باشد، معمولاً بیش از حد بوده و نقض مقررات رسیدگی عادلانه است. دادگاه همچنین استدلال کرد که جبران خسارت تنبیهی به میزان چهار برابر خسارت جبرانی نیز «نزدیک به خط نادرست» است و باید با احتیاط مورد بررسی قرار گیرد.

۱. بخش ۳۲۹۴ قانون مدنی کالیفرنیا

(a) In an action for damages for personal injury, property damage, or wrongful death, the court may award exemplary damages to the extent necessary to punish the defendant and to deter the defendant and others from similar conduct. (b) Exemplary damages shall not be awarded unless the defendant has been found by the court to have acted with oppression, fraud, or malice. (c) In determining the amount of exemplary damages, the court shall consider the following factors: The nature and circumstances of

گفت که اثبات قصد طرفین قرارداد به طرق مختلفی امکان پذیر است، عواملی وجود دارد که می‌تواند در تعیین عمدی یا با سوءنیت بودن نقض قرارداد تأثیر گذارد؛ از جمله:

الف) دادگاه باید رفتار مرتکب را در زمان نقض قرارداد بررسی کند، آگاهی مرتکب از پیامدهای نقض قرارداد و ایجاد آسیب به طرف دیگر قرارداد می‌تواند نقض قرارداد با سوءنیت محسوب می‌شود.

ب) دادگاه‌ها باید رفتار مرتکب پس از نقض قرارداد را بررسی کنند. اگر مرتکب پس از نقض قرارداد اقداماتی انجام داده است، که نشان‌دهنده قصد وی برای آسیب به طرف دیگر قرارداد است، نقض قرارداد با سوءنیت محسوب می‌شود. (سالیوان، ۲۰۰۸: ۶۰) دوم: برخی بیان داشته‌اند که با توجه به اینکه خسارت تنبیهی باید در حدی باشد که متناسب بوده و اهداف آن را برآورده کند، به دلیل وجود عوامل متعدد برای تشخیص وجود یا عدم وجود تناسب، تعیین تناسب خسارت تنبیهی می‌تواند دشوار باشد؛ زیرا عوامل مختلفی باید در نظر گرفته شود، از جمله شدت نقض قرارداد، میزان خسارت‌های وارد شده به شاکی و وضعیت مالی مرتکب. البته لزوم تناسب در میزان جبران خسارت یک قاعده عمومی در مسئولیت مدنی در حقوق کامن‌لا است. (سالیوان، ۲۰۰۸: ۶۰)

حال که مشخص شد خسارت تنبیهی در حوزه حقوق قراردادهای قابل اعمال است، باید دید که اعمال این شیوه جبران خسارت چه تأثیری بر طرفین قرارداد دارد. خسارت تنبیهی می‌تواند به پیشگیری از نقض قرارداد کمک کند. این امر به این دلیل است که متناقض قرارداد می‌داند که در صورت نقض قرارداد، علاوه بر جبران خسارت‌های وارد شده به خواهان، باید خسارت تنبیهی نیز بپردازد و مجموع خسارت پرداختی بسیار بیشتر از هر نوع منافع قابل تصور برای شخص ناقض قرارداد است. مطالعات علمی صورت گرفته نشان می‌دهد که وجود خسارت تنبیهی به صورت مؤثری بر انتخاب طرفین قرارداد برای عدم نقض تعهداتشان مؤثر است و وجود خسارت تنبیهی می‌تواند

شرایط نهادهای مزبور متفاوت با جبران خسارت تنبیهی است. (همان‌جا) دلیل این امر نیز مشخص است، جبران خسارت تنبیهی باید مبلغی بیشتر از خسارات واقعی بوده و هدف از آن افزایش هزینه‌های نقض عمدی و با سوءنیت قرارداد و در نتیجه پیشگیری از نقض آن باشد، این در حالی است که مصادیق مزبور با اهداف متفاوتی از جمله صرف جبران خسارت (دیه)، جبران کاهش ارزش پول (خسارت تأخیر تأدیه) و... ایجاد شده‌اند.

حال این نوع جبران خسارت در چه مواردی اعطا می‌شود تا بتوان کارکرد آن را به صورت مشخص دید امر مهم و قابل بحث است. در حقوق انگلیس و آمریکا، خسارت تنبیهی در قراردادهای معمولاً در صورتی قابل اعطا است که نقض قرارداد عمدی و با سوءنیت باشد. این بدان معناست که مرتکب قرارداد، قصد داشته است که قرارداد را نقض کند و از این طریق به طرف دیگر قرارداد آسیب برساند. این رویکرد در رویه قضایی ایالات متحده در رأی پرونده «کالدر علیه جونز» به روشنی بیان شد.^۲ در این رأی، دادگاه عالی ایالات متحده اعلام کرد که خسارت تنبیهی در قراردادهای می‌تواند در صورتی قابل اعطا باشد که نقض قرارداد عمدی و با سوءنیت باشد. علاوه بر این، ماده ۳۵۵ مجموعه قواعد بازنگری حقوق قراردادهای آمریکا^۳ نیز امکان جبران خسارت تنبیهی را بیان کرده و شرایطی را برای آن مقرر داشته که بررسی آنها نشان‌دهنده اهمیت لزوم بازدارندگی در اعمال جبران خسارت تنبیهی و همچنین اعمال این نوع جبران خسارت در مواردی است که شدت رفتار زیان‌آور بسیار بالا است.^۴

اعمال خسارت تنبیهی در حوزه حقوق قراردادهای با چالش‌های مختلفی روبه‌رو است. از جمله:

نخست: در حقوق قراردادهای، خسارت تنبیهی تنها در صورتی قابل اعطا است که نقض قرارداد، عمدی یا با سوءنیت باشد و گفته شده که همین مسئله مشکلی جدی است؛ چرا که احراز انگیزه فرد ناقض قرارداد امری دشوار است. در این خصوص باید

۴. طبق این ماده: برای تعیین اینکه آیا خسارت تنبیهی در یک پرونده قراردادی قابل بازبایی هستند، دادگاه باید تمام عوامل مرتبط را در نظر بگیرد؛ از جمله: الف) شدت رفتار زیان‌آور؛ هرچه رفتار زیان‌آور جدی‌تر باشد، احتمال اعطای خسارت تنبیهی بیشتر است. ب) احتمال تکرار رفتار؛ احتمال تکرار رفتار زیان‌آور نیز عامل مرتبطی است. اگر دادگاه تشخیص دهد که متهم احتمالاً در آینده مرتکب رفتار مشابهی خواهد شد، ممکن است خسارت تنبیهی برای جلوگیری از چنین رفتاری اعطا شود. ج) نیاز به بازدارندگی؛ نیاز به بازدارندگی از رفتارهای مشابه عامل مهم دیگری است. خسارت تنبیهی ممکن است برای جلوگیری از دیگران از انجام رفتارهای زیان‌آور مشابه اعطا شود و ... (مک میشل و ویسکاسی، ۲۰۱۷: ۸۴)

۱. در این پرونده، خواننده یک روزنامه‌نگار بود که در مورد زندگی خصوصی یک بازیگر زن به نام ژاکلین کندی اوناسیس تحقیق می‌کرد. خواننده بدون اجازه خواهان، مصاحبه‌ای با یکی از دوستان او انجام داد و اطلاعات خصوصی را در روزنامه منتشر کرد. خواهان از خواننده شکایت کرد و خواستار خسارت تنبیهی شد. دادگاه عالی ایالات متحده رأی داد که خسارت تنبیهی قابل اعطا است. دادگاه اعلام کرد که خواننده قصد داشته است که به خواهان آسیب برساند و بنابراین، خسارت تنبیهی برای تنبیه خواننده مناسب است.

2. (Calder v. Jones, 465 U.S. 783 (1984).

3. Restatement (Second)

حال باید دید که خسارت‌های فراتر از خسارات وارده در حقوق ایران به چه صورت قابل اعمال است.

رویکرد مناسب حقوق ایران

علی‌القاعده در تخلفات عمدی و با سوءنیت در نقض قرارداد نیاز به اتخاذ تدابیر خاص است؛ چرا که قطعاً وجود رویکرد بازدارنده بر رفتارهای ارادی افراد با سوءنیت مؤثر است؛ زیرا معمولاً افراد قبل از اقدامات عمدی به هزینه فایده آن می‌پردازند و در صورتی که هزینه آن بیشتر باشد از انجام آن منصرف می‌شوند. (قوی بنیه، ۱۴۰۰: ۲۵) البته در اعمال رویکرد بازدارنده نباید زیاده‌روی کرد و باید هزینه‌های ناشی از آن بر روابط قراردادی افراد را نیز مدنظر قرار داد. یکی از آثار اعمال بیش از حد خسارات فراتر از قرارداد می‌تواند عدم انعقاد قرارداد در فروضی باشد که در صورت فقدان خسارات بیش از خسارات واقعی، طرفین اقدام به انعقاد قرارداد می‌کردند. علاوه بر این، اگر هزینه‌های نقض قرارداد بسیار بالا باشد، هزینه‌های اقدامات پیشگیرانه از نقض قرارداد افزایش خواهد یافت که این مسئله خود موجب افزایش هزینه‌های معاملاتی و کاهش انعقاد قراردادها می‌شود. بنابراین، اعمال رویکرد بازدارنده و استفاده از خسارات تنبیهی، استرداد منافع ناشی از طمع‌ورزی و... باید حتی‌الامکان محدود به موارد نقض عمدی قرارداد و موارد سوءاستفاده از نقض قرارداد شود. چنین رویکرد معتدل از یک سو موجب پیشگیری از نقض قرارداد با هدف اخذ سود بیشتر می‌گردد و ضمن تحکیم اصل لزوم قراردادها، روابط معاملاتی پایدار و قابل اتکایی را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، آثار سوئی همچون افزایش هزینه‌های معاملاتی و ترس از هزینه‌های سنگین نقض قرارداد را نیز برای طرفینی که نیت نقض یا سوءاستفاده از قرارداد را ندارند افزایش نمی‌دهد. ممکن است طرفداران رویکردهای سنتی به قواعد مسئولیت مدنی روی خوشی به این تحلیل نشان ندهند، اما باید پذیرفت که مشکلات نوین نیاز به راهکارهای نوین نیز دارند. در حالی که مسئله نقض کارآمد قرارداد در اقتصادهای اروپا و آمریکا که نرخ‌های تورم ۲ تا ۴ درصد دارند امری رایج است، باید پذیرفت در اقتصاد ایران که در برخی موارد قیمت‌ها به‌صورت نابهنگام در سال‌های اخیر ناشی از تحریم یا دیگر مسائل منطقه‌ای و بعضاً ملی افزایش می‌یابند، نقض عمدی و با سوء نیت قرارداد امری بسیار رایج است و قواعدی که امکان کسب منفعت از نقض قرارداد را باقی می‌گذرند، یارای مقابله با این مسئله را نخواهند

موجب تدارک اقدامات احتیاطی بیشتر از سوی طرفین قرارداد شود که این مسئله نیز موارد نقض قرارداد را کاهش می‌دهد. (ایزبرگ، و ارس، والس، ۲۰۱۹: ۳۸۴)

علاوه بر این، جبران خسارت تنبیهی می‌تواند از نقض کارآمد قرارداد نیز پیشگیری نماید. در این خصوص باید توجه داشت که برخی از موارد نقض قرارداد اصولاً منجر به اقامه دعوا نمی‌شوند و شخص ناقض قرارداد به‌دلایل مختلفی از جمله هزینه و مدت زمان لازم برای اقامه دعوا و... خسارت جبرانی را نیز دریافت نمی‌کند. همچنین، در سایر مواردی که اقامه دعوا می‌شود، وجود خسارت جبرانی نمی‌تواند یک طرف قراردادی را از نقض تعهداتش منصرف نماید؛ چراکه نقض قرارداد می‌تواند منافع مالی بیشتری را برای وی در بر داشته باشد. در این موارد اگر خواننده دعوا بتواند ضمن پرداخت خسارت جبرانی، منافع به‌دست آمده را برای خود نگاه دارد، نقض قرارداد برای وی یک موقعیت سود ده و کارآمد است. (پولینسکی و شاول، ۱۹۹۸: ۹۳۶)

دادگاه عالی نوادا دقیقاً همین نکته را در تأیید خسارات تنبیهی برای اخراج ظاهری یک کارمند به‌منظور محروم کردن او از مزایای بازنشستگی مطرح کرد و بیان داشت که چنین رویکردی قطعاً از روی سوءنیت است و در صورت فقدان خسارت تنبیهی، کارفرمایان تشویق به اخراج کارکنان خود در آستانه بازنشستگی ایشان می‌شوند.^۱ قاضی پازنر نیز در بحث خود در مورد تخلفات فرصت‌طلبانه پیشنهاد می‌کند که متخلف فرصت‌طلب موظف به استرداد هرگونه مزایایی باشد که از تخلف دریافت کرده است. وی معتقد است که «ما می‌توانیم با بی‌ارزش کردن نقض تعهد برای متعهد و مجبور کردن او به تحویل تمام سودهای خود از تخلف از این نوع رفتار جلوگیری کنیم، و هیچ مجازات سبک‌تری چنین کارکردی نخواهد داشت.» (پازنر، ۱۹۹۸: ۱۳۰)

در حقوق ایران نیز رویکرد مشابهی به خسارت تنبیهی دیده می‌شود. از دید نویسندگان حقوقی، اعمال شیوه جبران خسارت تنبیهی در حقوق ایران دارای مزایای ذیل خواهد بود:

۱. بازدارندگی از نقض قراردادها؛ به‌ویژه نقض‌های عمدی یا فرصت‌طلبانه.

۲. جبران خسارت زیان‌دیدگان از نقض قراردادها؛ به‌ویژه در مواردی که خسارات واقعی قابل محاسبه نیستند.

۳. برقراری عدالت بین طرفین قرارداد؛ به‌ویژه در مواردی که نقض قرارداد توسط یک طرف صاحب قدرت اقتصادی انجام شده است. (بادینی، ۱۳۹۲: ۵۱۱؛ برومند، ۱۳۹۶: ۱۵۲)

را به دشواری می‌اندازد تأثیری در بازدارندگی نخواهد داشت. بدیهی است که در مورد دشواری در اجرای تعهد که بعد از انعقاد آن رخ داده است، متعهد ملزم به جبران خسارت در حد خسارات واقعی است و این مسئله در چارچوب قواعد فعلی مسئولیت مدنی ایران صورت می‌گیرد، اما در مورد جبران‌های فراتر از خسارات واقعی با هدف پیشگیری، در حقوق ایران برای استفاده از این شیوه‌های جبران خسارت قطعاً نیازمند قانون‌گذاری از طریق اصلاح و ایجاد قواعد جدید که همگام با پیشرفت‌های حقوقی کشورهای مرقی باشد، خواهیم بود علی‌القاعده و دادگاه با همه تأثیرگذاری به‌تنهایی نمی‌تواند در این زمینه بدون مبنا و نص قانونی پیش قدم شوند و منشأ تحول چشمگیر گردند. اعمال خسارت‌های فراتر از قرارداد در حقوق ایران نیز باید مختص به موارد نقض عمدی و با سوء نیت قرارداد و موارد نقض کارآمد قرارداد باشد و اعمال آن همراه با رعایت اصل تناسب باشد؛ چرا که اعمال افراطی این رویکرد می‌تواند انگیزه‌های برخی افراد از انعقاد قرارداد را کاهش دهد. در این خصوص پیشنهاد می‌گردد:

ماده ۱: در موارد تقصیر عمدی و یا نقض با سوء نیت قرارداد، دادگاه‌ها می‌توانند مبلغ خسارت را بیشتر از میزان خسارات واقعی تعیین نمایند. شیوه محاسبه خسارت به صورت ذیل خواهد بود: تبصره اول: مجموع خسارات وارد شده مطابق با قوانین موجود به علاوه میزان منافع به دست آمده از فروش مجدد موضوع قرارداد در صورت وجود و همچنین هزینه‌هایی که طرف غیرناقص قرارداد برای تهیه مقدمات اجرای قرارداد متحمل شده است.

تبصره دوم: در صورتی که قرارداد دومی از سوی فرد ناقض برای فروش مال موضوع قرارداد اول منعقد نشده باشد، دادگاه یک و نیم برابر مجموع خسارات قابل جبران را مورد حکم قرار خواهد داد.

تبصره سوم: اثبات تقصیر عمدی یا وجود سوءنیت در مرحله اول با مدعی آن است. دادگاه نیز می‌تواند رأساً و با مشاهده فروش مجدد مال موضوع قرارداد اول عمدی بودن نقض و یا با مشاهده نقض بدون علت قرارداد اول، وجود سوء نیت را احراز نماید.

References

- Ansari, Mehdi. (2011). "The Theory of Efficient Breach of Contract from the Perspective of the Economic Analysis of Law". *Private Law Studies*, 41(1). (In persian)
- Badini, H. (2013). *The philosophy of tort liability*. Tehran: Majd.

داشت. در این موارد مقررات سنتی مندرج در قانون مدنی پاسخگو وضعیت این چنینی نیست که برخی از اشخاص سودجو و فرصت-طلب با نقض قرارداد خویش و پرداخت اندک خسارت اصل استحکام قراردادها را زیر سؤال برده و متضرر از نقض قرارداد را نیز با جبران ناچیز و اندکی از خسارات وارده مواجه سازند وانگهی خود سود هنگفتی دست یابند. پس نیم نگاهی با حقوق کشورهای پیشرو در این زمینه توأم با اصلاح مقررات حاکم اقتضای استحکام قراردادها و اطمینان از اجرای آن را به سرمایه‌گذاران و منعقد کنندگان قراردادها اعطا خواهد ساخت. در عین حال خاطیان را از وسوسه نقض قرارداد به انگیزه تحصیل سود بیشتر باز خواهد داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی صورت‌گرفته نشان داد که حفظ قراردادها دارای آثار متعددی است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به افزایش اعتماد عمومی به اجرای قراردادها، کاهش دعاوی حقوقی ناشی از نقض قراردادها و همچنین امکان اتکا به اجرای قرارداد و انجام معاملات بعدی بر اساس معامله فعلی اشاره کرد. بررسی صورت گرفته مشخص کرد که یکی از راهکارهای کلیدی برای حفظ قرارداد و پیشگیری از نقض کارآمد و یا نقض مبتنی بر سوء نیت، ایجاد ضمانت اجراهای شدیدتر همچون جبران خسارات فراتر از خسارات اصلی است. در حقوق ایران به دلیل شرایط اقتصادی متفاوت همچون تورم بالا و مستمر و همچنین بحران‌های اقتصادی متعدد که منجر به جهش قیمت‌ها می‌شوند، نقض عمدی قراردادها رواج بیشتری دارد و اصولاً در مورد اجرای تعهداتی که در طول زمان انجام می‌شوند، هزینه‌های اجرای تعهد در بسیاری از موارد از هزینه‌های نقض آن پیشی می‌گیرد. این مسئله اهمیت راهکارهایی که به حفظ قراردادها منجر می‌شوند را دوچندان می‌کند. در مورد اعمال جبران خسارت فراتر از خسارات واقعی به منظور حفظ قرارداد، باید توجه داشت که اعمال جبران خسارت فراتر از خسارات واقعی باید محدود به نقض عمدی و با سوء نیت باشد و اعمال آن در مواردی که اجرای تعهد به دلیل تغییر وضعیت اقتصادی متعهد Broumand, N. (2017). *Punitive damages*. Tehran: Majd.

Burke, J. (2009). "Deterrence in private law". *Oxford Journal of Legal Studies*, 29(1), 12.

Coase, R. H. (1987). "The efficient breach of contract: A critical analysis". *The Journal of Legal Studies*, 16(1), pp. 61-82.

- Cohen, G. M. (1992). "The negligence-opportunism tradeoff in contract law". *Hofstra Law Review*, 20(4), pp. 941-973.
- Cooter, R., & Eisenberg, M. A. (1985). "Damages for breach of contract". *California Law Review*, 73(5), p. 1467.
- Dagan, H. (2000). "Restitutionary damages for breach of contract: An exercise in private law theory". *Theoretical Inquiries in Law*, 1(1), pp. 119-145.
- Ebrahimi, A. (2019). "The Loss of Chance and the Loss of Prospective Benefit; the Method of Determination of amount of Damages and possibility of Claim (Comparative Study Between Afghanistan & Iran Civil Law)". *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 2(3), pp. 11-26. doi: 10.22034/law.2019.239555. (In persian).
- Edelman, J. (2002). *Gain-based damages: Contract, tort, equity and intellectual property*. Oxford: Hart Publishing.
- Eisenberg, M. (2006-2007). *The Disgorgement Interest in Contract Law*. 105 Mich. L. Rev. pp. 559-625.
- Eisenberg, T.; Heise, M.; Waters, N. L. & Wells, M. T. (2019). "The effect of punitive damages on contract breach". *Journal of Legal Studies*, 48(2), pp. 373-405.
- Farnsworth, A. (2004). *The law of contracts*. Aspen Law & Business.
- Farnsworth, E. (June 18, 2013). *CONTRACTS: Cases and Materials*, Foundation Press. 8th edition.
- Fried, C. (2006). *Contract as promise*. New Private Law.
- Fuller, L. L., & Perdue, W. R. (1936). "The reliance interest in contract damages". *Yale Law Journal*, 46(1), pp. 52-97.
- Garner, B. A. (2014). *Black's law dictionary*. Thomson Reuters.
- Hosseini Madar, Seyyed Mehdi, and Golshani, Esmat. (2013). "The Method of Compensating for Breach of Contractual Obligations in English Law and Its Application in Iranian Law". *Scientific-Research Journal of Civil Law*, 2(2), pp. 97-130. (In persian).
- Jafary Langrudi, Mohammad Jafar. (2008). *Terminology of Law*. Volume 2. Tehran: Ganj Danesh Publications. Fifth edition. (In persian).
- Kasemi Hamed, Abbas; Khosravi Farsani, Ali, & Aghababaei, Fahimeh. (2013). "Punitive damages in Iranian law". *Journal of Law and Justice*, 77(81), 161-187. doi: 10.22106/jlj.2013.10982. (In persian).
- Kavi-al-Baniah, A. (2022). *Punitive damages in the laws of Iran and the United States*. Tehran: Dadgostar Publication. (In persian).
- Kazatouyan, N. (1376). *Nazariyeh-ye omumiye taah-hadat* (1st ed.). Tehran: Yalda Publication. (In persian).
- Khorsandian, Mohammad Ali, and Sokhanvar, Mehdi. (2023). "The recoverability of benefits arising from opportunism in contract: A comparative study in US and Iranian law". *Journal of Law and Justice*, 13(3), pp. 33-63. doi: 10.22099/jls.2021.32388. (In persian)
- McMichael, Benjamin J.; Viscusi, W. Kip (July 2017). "The Punitive Damages Calculus: The Differential Incidence of State Punitive Damages Reforms". *Southern Economic Journal*. 84 (1): 82-97. doi:10.1002/soej.12217.
- Mohammadi, Sam, and Kadivar, Hosam. (2016). "Efficient Breach of Contract in Iranian Law". *Private Law*, 13(2), pp. 101-124. (In persian)
- Mousavi, S. A. (2023). "Limitation of penalty clause by justice and equity principles (Critique on binding precedent)". No. 805 / Jan 5, 2021). *Journal of Legal Studies*, 1(2), pp. 1-15., <https://doi.org/10.22034/analysis.2023.701523>. (In persian)
- Muris, T. J. (1982). "The costs of freely granting specific performance". *Duke Law Journal*, 82 (5), pp. 1053-1087. (Specific page cited: 1059). (In persian)

- Musavi Behbahani, Sayyid Ali. (Bita). "The Principle of Necessity and Validity of Contracts in Islamic Jurisprudence and Civil Law". *Dadresi Monthly Journal*, Year 2, Issue 9. (In persian)
- Perlstein, B. (1980). "Crossing the contract-tort boundary: An economic argument for the imposition of extracompensatory damages for opportunistic breach of contract". *Brooklyn Law Review*, 58(4), p. 877.
- Polinsky, M. A., & Shavell, S. (1998). "Punitive damages: An economic analysis". *Harvard Law Review*, 111(6), pp. 869-968. (Specific pages cited: at 936-37).
- Posner, R. A. (1981). "The case against efficient breach". *The Journal of Legal Studies*, 10(2), pp. 603-622.
- Posner, R. A. (1998). *Economic analysis of law* (5th ed.). Aspen Publishers. (Specific pages cited: at 130-31).
- Qasemi, Mohsen. (2008). "The Role of Foreseeability of Damages in Civil and Tort Liability". *Free Legal Research Journal*, 5-6-7, pp. 41-56. (In persian)
- Reed, H. L. (1953). "Damages for breach of contract". *The Yale Law Journal*, 62 (1), pp. 117-142.
- Rogerson, W. P. (1984). "Efficient reliance and damage measures for breach of contract". *The RAND Journal of Economics*, 15(1), pp. 39-53.
- Roshan, Mohammad, Jafari, Ali Akbar & Jahantighi, Mojtaba. (1397). "Possibility of Reparation of Loss of Profit in Imamia School of Jurisprudence". *The Journal of Legal Studies*, 82 (101), pp. 61-83. doi: 10.22106/jlj.2018.31409. (In persian)
- Rowan, S. (2012, May 24). *Deterrence and punishment*. In Remedies for Breach of Contract: A Comparative Analysis of the Protection of Performance (pp. 172–174). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199606603.003.0005>
- Safa'i, Sayyid Hussein. (1384). *General Principles of Contracts*. Tehran: Mizan Publications. 3rd Edition Volume 2. (In persian).
- Safayi, M. (2023). *Civil Law (General Principles of Contracts)*. (22nd ed., Vol. 2). Tehran: Mizan Publication. (In persian)
- Shavell, S. (1980). "Damage measures for breach of contract". *The Bell Journal of Economics*, 11(2), pp. 466–490.
- Solum, D. C. (2003). "The case for punitive damages in contract law". *The University of Chicago Law Review*, 70 (4), pp. 1197–1230.
- Steel, S. (2023, April 17). *Deterrence in private law*. In H. Psarras & S. Steel (Eds.), *Private Law and Practical Reason: Essays on John Gardner's Private Law Theory*, Oxford University Press.
- Sullivan, E. T. & Frase, R. S. (2008). *Proportionality principles in the common law of damages*. In P. Cane, M. Dan-Cohen, & M. Tushnet (Eds.), *Proportionality Principles in American Law: Controlling Excessive Government Actions* (pp. 51–85). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780195324938.003.0003>
- Tabarsi. (1410). *Majma' al-bayan*. (Volume 3). Qom: Dar al-Ma'rifah Publications. (In persian).
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Kazem. (2023). *Urwah al-Wuthqa*. Volume 2. Beirut: Dar al-Amali al-Matbuat. Second edition. (In persian).
- Winter, J. D. (2012). *Private Law*. Oxford University Press.